

الشرايع في وصفه تعالى عقل منور وفهم كامل بل يؤمن به على  
 شريعت في در وصف ادعالي عقل منور وفهم كامل بل يؤمن به على  
 الوجه الذي اراد الله تعالى من غير تاويل بفكره فتزنيحه  
 ويحيى كـ اراده است الله تعالى از غير تاويل بفكر او پس تزنيح  
 الفكري يجب مطابقا لما انزله على السنة الرسول صلوا الله  
 فكري اد واجبت كما شاهد مطابق مرآن را که نازل کرده از ابراهیم رسل صلوات الله عليهم  
 عليهم وفي كتبته المنزلة عليهم والا فهو منزه عن تنزيه العقول  
 در كتب نازل خود بر بن و گفته پس ادعالي منزه است از تنزيه عقول  
 البشرية بانفكارها فان العقول المتعينة في القوى المراجعة اليه  
 بشرية بفكره اي آنها پس بر سبب عقول متعينة در قوای مراجعیه مفيد  
 الجزوية مفيدة جزوية كذا لك بحسبها واي للمفيد  
 جزوية مفيدة جزوية از اجتنان باعث بار آنها ويكونه مفيد جزوي  
 ان يدرك الحقائق المجردة المطلقة من حيث كذا لك الا ان  
 اذ ادراك كذا حقايق مجردة مطلقا از حيث آنها اجتنان بر آنکه مطلق  
 عن قيودها او بتقيدها المطلقة بحسبها شعورها وجودها المطلقة  
 از قيود خود يا بتقيدها كونه مطلقات بحسب شعورها وجودها مطلقات  
 هر چه در فعل و فهم و حواس و قواي كذا ذات حق سبحانه و تعالی  
 منزه و مقدس است چه اين محذرات اند و محدث جز ادراك محدث نواند  
 و دليل وجود او هم وجود است و بر آن شهود او هم شهود او

توبه و شناسي اورا ني بخود راه زود خيزد بدو ني از خرد و حسب دشنامي قدس  
 الله سره فرمايد كنه ايند در انمودي راه از خدايي كنه مندي آگاه عقل ره زود يك  
 ندارد فضل او مرزا برادر بخود مشكش نشانت توانست ذات او بدو توان  
 ابي بنده از نهاد خود عاجز كي شناسي خدائي را كه سز تو كه در ذات خود برون  
 عارف كرده كار چون باشي عقل ني كحل استنسي او بخير بوده از خدائي او نيت از  
 وهم عقل و حواس حسنه خدا بچگونه خدائي شناس كنه كنجك بعد از است جبري  
 بدان هر صورت عقل را خود كسي كند نميكن در مقام جبري است اين قد علمي كذا  
 ان معرفه الحق سبحانه و تعالی بعد و در فلسفي اربع و ارمسال الرسل انما هي  
 بدرستي كه موفقه في سبحانه دعالي بدو در معرفت و ارسال رسل بر اين سبب  
 بالجمع بين التنزيه و التثنيه على وجه بطابق ملجاوت به الشرايع و اما  
 بجمع بين تنزيه و تثنيه بر وجهيك مطابق باشد از آنكه است بان تنزيه و اما  
 قبل درود الشرايع و اخذ العلم و العرفه منها فالعلم به سبحانه تنزيه  
 پيش از درود شريعت و كرفتن و معرفت از شرايع پس علم باو سبحانه تنزيه او  
 عن سمات العجز الحدوث و التركيب و الا فتقار و هو التنزيه المشهور عقلا  
 از علالت حدوث و تركيب و احياء و ان تنزيه مشهور است  
 لا يجاوزها العقل بمقتضى فكره اصلا فالعارف حقيقه صاحب معرفت  
 در تجاوز نميكند از عقل بمقتضى فكره اصلا پس عارف از خودي حقيقه است و معرفت  
 احد بغير معرفت منها و نايضا معرفت نلقاها العارف و قبلها من قبل  
 بكي از ان معرفت است كه از آنها دوام از ان معرفت است در بافته است از عارف بقول كده



کتابخانه مجلس شورای ملی  
 کتابخانه مجلس شورای ملی  
 کتابخانه مجلس شورای ملی

Copyrighted material